

نامه های سابق بقوت خود باقی و لازم العمل میباشد مگر آنکه ضمن عهدنامه صلح برای تمام یا قسمتی از آنها ترتیب خاصی ملحوظ شود و یا قید گردد که طرفین حق دارند در عهدنامهجات گذشته تجدید نظر نمایند (بحقوق بین الملل مراجعه شود) .

اما صلحنامه خصوصی یا عهدنامه خصوصی پابند قیود مذکوره نبوده فقط محصور است بذکر مورد اختلاف و طرفین صلح و علت حدوث اختلاف و اینکه صلح به تکلیف شخص ثالث یا یکی از طرفین منعقد گردیده و نتیجه قطع و فصل اختلافاتی که ضمن عقد صلح مذکور و مشمول گردیده میباشد و صلحنامه های مربوطه به معاملات که اساسا روی اختلافات نبوده و برای قطع تنازع و تجاذب منعقد نگردیده بلکه فقط برای انشاء معاملات و عقود مختلفه می است که بر حسب تراضی و توافق طرفین مایل گردیده اند که به عقد صلح معامله منظوره را انجام دهند فقط عنوانی از صلح در آنها ملحوظ است و تابع قوانین مدنی و محاکماتی هر کشوری است که متصل الحین پابند آن قوانین و نظامات میباشد .

بقلم آقای سرشار

وکالت دواوی

-۲-

اگر از نظر مفهوم لغوی و اشتقاق کلمه و کیل بالسنه مختلفه چشم بیندازیم و ببینیم این منطوق چه مفهوم یا مفاهیمی را در ذهن ما جلوه گر و متبادر بندهن میسازد و دارای چه معانی بزرگی است آنوقت از کلمه و کیل و وکالت در تمام زبانهای دنیا پی بعظمت و بزرگی این شغل خواهیم برد .

همانطور که در مقاله پیش اشاره کردیم اول دفاع از حق و تعقیب حق در جهان جلوه گر شد بعداً نوبت بمرحله قضاوت رسید و بنا برین و کیل نه فقط جنبه دفاع از حق و تعقیب حق را دارد بلکه خود او يك كمك و مشاور و معین قاضی و راهنمای اوست .

حال میپردازیم به مفهوم معنای و کیل درالسنه مختلفه .

در زبان فارسی کلمه و کیل از زبان عربی گرفته شده و به معنی پشتیبان است. و در زبان فارسی مفهوم آن امروزه به مراتب از زبان عربی زیاد تر و هر قدر در زبان اخیر متروک و مهجور شده در زبان ما توسعه یافته است.

مستند ما در زبان عربی همانا کتب مقدسه مذهبی و مخصوصاً قرآن کریم است و از آنجا در زبان فارسی ظهور یافته و در زبان عرب و صکیل بمفهوم و معنایی که ما امروز از آن قصد میکنیم که مدافع حق باشد کلمه معامی است.

کلمه و کیل در آیه ۱۶۷ از سوره آل عمران در قرآن مجید ذکر شده و مقام و کالت را تقریباً در ردیف مقام بزرگ روحانی و معنوی قرار داده و برمیآید که و کیل باید متصف بصفات الهی باشد و مظهر حق بفرادجلی باشد نه فرد خفی و و کیل کاملاً و واقعا آیت الله و بزرگترین مظهر حق است و باید و کیل در حکم آئینه باشد که جمال و کمال حق در آن مشهود و هویدا باشد نه اینکه هر شیطان و ابلیسی این حرفه مقدس را پیشه خود ساخته و با صفات پلید اهریمنی بجای دفاع از حق در مقام تزییم حق برآید.

همانطور که سابقاً اشاره کردیم و کیل در مرحله نخست باید خود شخصا با احاطه و علم و اطلاع که اولین سرمایه اوست بالحفاظ تقوی و دیانت و شرافت و عزت نفس و گذشت از مراحل مادی دعوی را پسندد اگر بفهمد از تعقیب دعوی پیشنهاد شده حق ثابت و مسلمی از طرف دیگر تزییم می شود و قانون هم راهی برای تعقیب چنین دعوائی باز نکرده آن دعوی را قبول نکند والا اگر با علم بعدم پیشرفت دعوا آنرا تعقیب و بسافشاری کند صفات رحمانی از او سلب و کاملاً در زمره اهریمنان محسوب میگردد و برای همین است که در آیه شریفه اشاره شده (قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل) همچنین در مقام دیگر بهترین و کیل را بهترین مولی میدانند (نعم المولی و نعم الوکیل) و برای اثبات اینکه و کیل غیر از حق نباید راهی دیگر به پیماید و در مقام تزییم حق دیگران بر نیاید و وسیله تقویت مشتبهات نفسانی دیگران برای جلب مادیات جهت خود واقع نشود و خود را عامل غصب حق و تقویت ظالم و غاصب قرار ندهد تا حقوق دیگران را پایمال سازد در چهار سوره از قرآن مجید در پنج آیه.

سوره انعام آیه ۶۶ و آیه ۱۰۷ - سوره یونس آیه ۱۰۸ - سوره النور آیه ۴۲ - سوره شوری آیه ۴ - خداوند متعال بسمه پیغمبر اکرم

میفرماید در مقام هدایت بندگان من بآنها بگواگر قصد شرارت و شرارت داشته باشند و ایجاد تسمم فکری در جامعه بشری بنمایند و خیال گمراهی هموع را داشته باشند و بخواهند مردم را از جاده راست منحرف سازند من دوش خود را از زیر بار و کالت شان خالی میکنم .

(قل لست علیکم بوکیل - وما انت علیهم بوکیل - وما انا علیکم بوکیل ایضا وما انت علیهم بوکیل) و دیگر کلمه و کیل غیر از این موارد در قرآن شریف وجود ندارد .

ولی در کلمه ولغت عرب امروزه واژه و کیل استعمال نمیشود و در تمام جزیره العرب و شمال افریقا و کلیه کشورهای عرب زبان بجای وکیل کلمه محامی که معنای حمایت کننده حق را میدهد استعمال میشود و این همان مفهوم فرمایش حضرت مولی امیرالمومنین علی علیه السلام است که میفرماید (کونا للمظالم خصما وللمظلوم عوناً) حمایت از کار و حق مظلوم و جلوگیری از ظلم ظالم و غاصب و تعدیات متجاوزین و متعدیان را وظیفه مسلمین قرار داد .

در زبان فرانسه کلمه آوکا از کلمه آدوکاتوس (Advocatus) لاتینی مشتق شده که آن نیز دو کلمه است یکی آد (ad) بمعنای نزدیک و دیگری وکاتوس (Vocatus) یعنی خواننده شده و هر دو کلمه بمعنای کمک و یاری مظلوم یا بهتر گفته باشیم هر مظلوم فردی را بنام و کیل یاری خود میخوانند و برای حفظ حق و دفاع از حق و تعقیب حق خود او را بنزدیک فرامیخوانند و از او استمداد میجویند .

در زبان انگلیسی اگرچه لغات متعددی برای کلمه و کیل وضع شده که هر کدام دارای يك سلسله مفاهیم و مزایا و صفاتی است که در شخص و کیل باید باشد ولی واژه مصطلح و عمومی مذکور همان کلمه لای-ر (Lawyer) است بمعنای حقوق دان و قانون دان و این منطوق دارای مفاهیم بزرگ و وسیعی است یعنی کسیکه آشنا بحدود و حقوق و مرزهای مردم است تا دیگرانرا از تجاوز بحدود و حقوق و مرزهای موکل خود منع نماید و جلوگیری کند و این فرد باید دارای چنین اطلاعات و صفاتی باشد باید عارف باصول و قوانین و حقوق و حدود بوده و در دستگاه قضائی ثابت کند که دیگران از مرز خود تجاوز و بمرز موکل او تجاوز و تعدی نموده اند .

در زبان آلمانی وکیل را نماینده حق میگویند (Rechtsanwalt) و شتر آنوالت پس با ذکر این مقدمات باید گفت شغل وکالت از لحاظ اجتماعی و قدمت تاریخی از بهترین و برترین مشاغل دنیاست و از لحاظ شخص وکیل از بدترین آنها
 اما مرجحات آن - از لحاظ دفاع از حق - تعقیب حق ایفاء وظایف انسانیت و پیروی از وجدان و کمک به پیشرفت عدالت و اجراء قوانین
 اما مضرات آن از لحاظ خود وکیل

اگر شغل وکالت را با سایر مشاغل آزاد مقایسه کنیم خواهیم دید که شاغل هر شغلی در موقه انجام آن شغل يك سلسله زحمت و صرف نیروی جسمی و فکری نموده ولی پس از انجام آن وظیفه دیگر از عامل هر گونه زحمتی فارغ بوده . و میتواند تجدید قوا نموده و رفه خستگی از خود بکند و بتفریحات خود مشغول گردد ولی برای مثال طبیب در موقه معاینه مریض رشته مزاج او را در دست گرفته و کاملاً بآلام جسمانی و امراض گوناگونی که براوعارض شده پسی میبرد و از معلول علت را تشخیص و نسخه علاج بدست او میدهد و پس از مراجعه ثانوی رابطه مریض و طبیب قطع و هریک پی کار خود میروند همینطور يك مهندس پس از انجام و اتمام نقشه خود باستراحت و آسایش پرداخته دیگر کاری بنقشه نداشته و بساز فردا بکار طراحی نقشه دیگر میپردازد همینطور قاضی و سایر کارمندان هنگام فراغت از کار دیگر با کار خود تماسی ندارند ولی وکیل باید قسمتی از روز و عمر خود را الزاماً و اجباراً و وجداناً صرف استماع کلیه اظهارات و دعاوی موکلین خود نموده و در عین حال مرتباً بمراجعات پیمایی دیگران پاسخ دهد و صرف نیروی جسمی و دماغی نماید پس از رفه زحمت آنان باید قسمت دیگری از وقت خود را صرف بررسی و مراجعه بمستندات موکل و تنظیم لوائح دفاعیه نموده و آنها را با قوانین موضوعه منطبق و راه دفاع یا تعقیب را فراهم سازد و حتی بدون اغراق وکیل خوب موقه خواب و استراحت مختصر خود هم در این فکر است که چگونه حق مظلوم را از ظالم بازستاند و بهر حال در تمام ۲۴ ساعت از روز کار و غیر کار اعصاب او خسته و فرسوده و تمام قوای مادی و معنوی او مشغول است و خواب و راحت از او سلب شده و اول وقت روز بعد هم باید پروندههای روز را مطالعه نموده و خود را مجهز برای تعقیب و دفاع در محاکم بنماید آنوقت کلیه مشاهدات

اودر محکمه و کلیه بی نظمی های حاصله در کشور و سازمانها و خدای نا کرده انحراف بعضی از دادرسان که گاهی ممکن است تحت تاثیر عوامل مختلفه از قبیل توصیه و سفارش و غیره قرار گیرند اورا متاثر میکنند یا حقد و حسد و بغل و تعقیه حسابهای شخصی و مسلکی و عقاید مختلفه که بدبختانه در کشور ما لاتعد و لاتحصی است و دستگاه قضائی ما را باقتضای روز و هوی و هوس بعضی از دادرسان محدود و محدود شبیه بمایعی نموده که در هر ظرف بشکل آن ظرف در میآیند کارها از مجاری اصلی خود منحرف ولی و کیل در کار و عقیده و مرام خود که دهاع از حق باشد ثابت و پایدار و لایتغیر است. بهر حال این آثار و ضعی در اعصاب و دماغ یک و کیل (البته منظور و کیل شرافتمند و متصف بصفات رحمانی است) که میخواهد بدون تشبث و توصیه و دسته بندی و دیدن عمر و زید دفاع از حق مظلومی را انجام دهد یا حقی را تعقیب و استیفاء نماید چه عواقب شومی را ایجاد می نماید که حتی زندگانی شخصی و خانوادگی او را نیز فلج مینماید

زیرا کلیه تحولاتی که در هر کشور و یا قاره رخ میدهد و حکومتها و رژیم های مختلفه از دمکراسنی و دیکتاتوری و فاشیسم و نازیسم و کمونیسم روی کار بیایند یا از روی کار بروند قضاوت رنگ آن حکومتها و مرامها و رژیمها را میگیرد چه در مراجع بین المللی و یا ملی ولی در مدافعه حق فرق و تغییری روی نمیدهد و تا بم رنگ سیاسی و رژیمسی نیست رنگ او همان دفاع از حق و تعقیب حق مظلوم است و بس حال ملاحظه بفرمائید در اینمواقف و مراحل که در دنیا طی قرون و اعصار روز افزونست یک و کیل در مقام استنابه حق که با رژیمها مرامها مسلکها تغییرها تهدیدها عواطف احساسات اغراض و احساسات مواجه میشود چه پهلوانی باید باشد و چه خون دل هائی باید بخورد تا از پیچ و خم های این عوامل سیاسی و اجتماعی که قضاوت و سازمان را برنگ و شکل خود در آورده حق مظلومین را استیفاء کند ؟

آیا دیگر برای این و کیل نیرو و قدرتی باقی میماند؟ و آیا برای احقاق حق که یگانه شاهد آمل اوست چه رنجهها و المها باید متحمل گردد خودتان تصور آنرا بفرمائید .

بهر حال این مبحث را بیک ضرب المثل مناسب و بموقع انگلیسی خاتمه میدهم .

که میگویند و کیل خوب (البته منظور من هم در تمام این مقاله و کیل خوبست) از اول شغل خود تا آخرین نفس دقیقه راحت و آسایش نداشته و یکنوع فداکاری می کند که نمره و بنزه آن برای خود او صفر و برای جامعه حداعلای قیمت را دارد و بالاخره میگویند و کیل در ابتدای کار برای خوردن پول ندارد در وسط کار وقت ندارد و در آخر کار ندان ندارد .

ترجمه و اقتباس عمیدی نوری و مهدی ملکی از فارو

فائبر همستی در مسئولیت کیفری

مستی همیشه یکی از عیوب بشریت بوده و هست ولی اعتیاد بالکل مصیبت نسبتاً تازه است که مخصوصاً با فراوانی لیکورهای سکرآور مبتلابان را از افراط در سکر بدرجه اعتیاد بالکل رسانده است . از نظر حقوق جزا در قدیم فقط توجه علما معطوف به حالت مستی و اثر آن در مسئولیت کیفری بود ولی امروزه با تعداد روزافزون معتادین بالکل ، قانون جزا باید از دو نظر متوجه این موضوع باشد یکی بمنظور مبارزه با توسعه مستی و الکلیسم بواسطه کیفری دیگری بمنظور تعیین مسئولیت مست و معتاد بالکل از حیث جنحه یا جنایاتی که تحت تاثیر سمی الکل ارتکاب مییابد .

۱) مستی و اعتیاد بالکل که نتیجه قهری آب است مسلماً در آتیه خانواده و جامعه عکس العمل فوق العاده مخربین دارد بعدیکه در قوانین جدید نفس مستی امر جنحه بوده صرف این عمل را بکیفر حبس و جزای نقدی مجازات میکنند . مثلاً در فرانسه مجلس شورا بنام پیشنهاد دکتر روسل در ۲۳ ژانویه ۱۸۷۳ قانونی را تصویب کرد که استعمال علنی الکل را مجازات میداد (ماده ۳۷۵ قانون مجازات ایران تصریح دارد هر کس متجاهراً استعمال مسکرات یا افیون یا شیره تریاک یا مرفین یا بنگ یا چرس نماید بحبس تادیبی از ۸ روز تا سه ماه یا بتادیه غرامت ازده تومان الی پنجاه محکوم خواهد شد یا داداشت مترجم) و همین قانون کسانی را که